

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@afgazad.com

گزارش ها	Reports
----------	---------

فرستنده: پری قدمی

۲۱.۱۰.۰۹

مردم جهان هم سرنوشتند!

گزارشی از اکسیون‌های اعتراضی 27 سپتامبر تا ۱۷ اکتبر - لندن در حمایت از مبارزات مردم و خواست آزادی زندانیان سیاسی

سازمان زنان هشت مارچ همراه با کمیته جوانان - انگلستان در سه هفته گذشته (از تاریخ ۲۶ سپتامبر تا ۱۷ اکتبر)، هر شنبه از ساعت ۲ تا ۵ اکسیون‌های اعتراضی علیه رژیم زن‌ستیز جمهوری اسلامی و در پشتیبانی از مبارزات مردم و با خواست آزادی زندانیان سیاسی در میدان ترافالگار - لندن (بزرگ‌ترین میدان تجمعات سیاسی و اجتماعی مردم بریتانیا و نیز محلی توریستی) برگزار نمودند.



هدف از برگزاری این اکسیون‌ها که به طور مرتب هر شنبه از تاریخ ۲۴ جولای ۲۰۰۹ که با سه روز تحصن آغاز شد و تا کنون ادامه دارد، (تنها هفته‌ای که نتوانستیم اکسیون خود را پیش ببریم، هفته‌ای بود که شب هبستگی با

زندانیان سیاسی و خانواده جانباختگان را برگزار کردیم.) این است که بتوانیم با به تصویر کشیدن صحنه‌هایی از مبارزات مردم و به خصوص زنان علیه جمهوری اسلامی، صحنه‌هایی از ددمنشی رژیم علیه مردم، چهره واقعی رژیم سرپا جنایت جمهوری اسلامی را به مردم دنیا بشناسانیم و افکار مترقی را در حمایت از مبارزات مردم و خواستهای زنان ایران جلب کنیم. ما به عنوان تشکل زنان همواره تلاش کرده‌ایم که موضوع مطالبات پایه‌ئی زنان تحت عناوین مختلف به فراموشی سپرده نشود و به همین دلیل برخی از مطالبات پایه‌ئی زنان همچون: لغو حجاب اجباری، لغو سنگسار، جدائی دین از دولت، حق سقط جنین، و... را در پلاکاردها طرح می‌کنیم. علاوه بر نمایشگاه عکس و مطالبات زنان در این اکسیون‌ها پرچمی را که روی آن به انگلیسی نوشته شده است: سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی، و هم چنین پلاکاردهائی که نه به جمهوری اسلامی، نه به امپریالیسم، زنان برای جهانی بدون ستم و استثمار مبارزه می‌کنند و... به‌عنوان خواست‌های زنان رادیکال ایران و همچنین جوانان برای بازدیدکنندگان از اکسیون بر روی زمین قرار می‌دهیم. در تمام این مدت توانستیم جمعیت انبوهی از زنان انگلیسی



و سایر کشورهای دیگر را جذب کنیم. زنانی که با مشاهده عکس‌های مبارزه و مقاومت زنان ایران خوشحال می‌شدند و با بودن در کنار اکسیون و داوطلبانه بیانیه آزادی زندانیان سیاسی و سرنگونی رژیم زن ستیز جمهوری اسلامی را امضاء می‌کردند و در همبستگی با ما با کمک‌های مالی بی دریغ شان خواستار ادامه راه مبارزاتی ما بودند.

با برگزاری مرتب این اکسیون‌ها توانستیم مرکز سیاسی فعالی در دفاع از مبارزات میلیون‌ها زن و مرد به ستوه آمده از رژیم جمهوری اسلامی را در میدان

ترافالگار ایجاد کنیم. و به همین خاطر است که در هفته‌های اخیر برخی تشکلات سیاسی نیز در کنار ما به فعالیت پرداختند.

نمونه‌هایی از حمایت مردم:

مردی شتابان به نزد ما آمد و خواستار امضای بیانیه آزادی زندانیان سیاسی بود. از او علت شتابش را برای امضاء کردن پرسیدم گفت: آنان برای آزادی شان از جان شان می‌گذرند، من تنها کاری که می‌کنم فقط یک امضاء است که آن هم دریغ نمی‌کنم.

دو هفته پیاپی زنی از کردستان عراق در کنار ما بود. با امضای بیانیه آزادی زندانیان سیاسی و محکوم کردن جمهوری اسلامی خواستار توقف شکنجه و تجاوز جنسی به زندانیان بود.

زنی انگلیسی که به سختی می‌توانست قدم بردارد، آری او با کمک عصا می‌توانست راه برود، اما برای کمک مالی و امضای بیانیه آزادی زندانیان سیاسی مشکل جسمی‌اش را فراموش کرده بود.



هنگامی که اطلاعیه در بین جمعیت توزیع می‌شد، بسیاری همانجا مطالعه‌اش می‌کردند و

اعلام می‌نمودند که ما با شما موافق هستیم. ما با زنان و مردانی که برای آزادی و رفاه در جنگند هم صدا هستیم. ما مردم ستم دیده ایران را تنها نخواهیم گذاشت. حتی برخی از افراد پس از مطالعه اطلاعیه زنان هشت مارچ آن را به شخص دیگری می‌دادند که مطالعه کند و ببیند که در ایران چه می‌گذرد.

دختران و پسران جوانی که با دیدن عکس‌هایی از اعدام‌های خیابانی برافروخته و متعجب می‌شدند و سؤال می‌کردند آیا این عکس‌ها واقعیست؟ وقتی به آن‌ها چگونه کشته شدن نداها و سهراب‌ها و کیانوش‌ها و ترانه‌ها و... را توضیح میدادیم باورشان نمی‌شد حتی نمی‌توانستند تصور کنند چرا انسان‌ها را برای ابتدایی‌ترین حقوق انسانی مجازات می‌کنند؟ ناراحت می‌شدند و برای هم

نسلان خود که در مبارزه علیه جمهوری اسلامی هستند، آرزوی موفقیت می‌کردند. به صف می‌ایستادند و بیانیه آزادی زندانیان سیاسی و سرنگونی رژیم ضد زن جمهوری اسلامی را امضاء می‌کردند. برخی از این جوانان دانش‌آموز و دانشجو بودند، اما حداقل پولی را که در جیب داشتند در صندوق کمک‌های مالی می‌ریختند.



بعضی از بازدیدکنندگان در مورد موسوی و کروی می‌پرسیدند و موافق بودند که موسوی و

کروی بهترند. زمانی که توضیح داده می‌شد در زمان نخست وزیری موسوی و کروی که ریاست مجلس را بر عهده داشت، ده‌ها هزار نفر زندانی سیاسی از زن و مرد و دانشجو و دانش‌آموز به دار آویخته شدند و بسیاری در زیر شدیدترین شکنجه‌های قرون وسطایی جان سپردند. با ما هم عقیده می‌شدند و می‌گفتند که ای کاش رسانه‌های خیری بی‌طرف باشند و واقعیت را اعلام کنند.

پسر ایرانی به سراغ یکی از فعالین هشت مارچ رفت و گفت این شعار شما درست نیست. زنان در ایران سنگسار نمی‌شوند. چرا این شعار را نوشته‌اید؟ بیشتر از نیم ساعت با او صحبت شد و برایش توضیح داده شد که چگونه زنان به خاطر عشق مجرم شناخته می‌شوند و حکم سنگسارشان واجب است. بعد از او پرسیده شد چند سال داشته

است که از ایران خارج شده است گفت: فقط دوازده سال! پسر جوان موقعی که ما را ترک می‌کرد گفت فکر نمی‌کردم زنان زادگاهم این گونه زندانی باشند در کشورشان! و خوشحالم که این جا شما را می‌بینم که برای آزادی زنان ایران تلاش می‌کنید.

زنی پوشیده شده در حجاب پس از این که نمایشگاه عکس و توضیحات ما را در مورد موقعیت زنان ایران شنید گفت که من هم مخالف این حجابی که بر سرم است می‌باشم. اما همسرم، پدرم و برادرم سخت در تلاشند که مبادا روزی این حجاب از سرم برداشته شود. من دقیقاً می‌دانم که چرا زنان ایران علیه حجاب اجباری مبارزه می‌کنند. او مردی را که طرف دیگری از میدان بود نشان داد و گفت همسرم است تا نیامده است می‌خواهم ورقه را امضاء کنم.

پسری از آمریکا سوالات بسیار زیادی را از ما در مورد سیاست‌های بوش به خصوص در مورد افغانستان و عراق پرسید. او گفت که آیا به نظر شما موقعیت مردم در عراق و افغانستان بهتر شده است؟ آیا الان وضعیت زنان این دو کشور بهتر نیست؟ به این پسر جوان توضیح دادیم که نه موقعیت زنان این دو کشور اصلاً بهتر از قبل نیست. زنان در این دو کشور اشغال شده به وسیله آمریکا و شرکاء در بند و اسارت دولت مذهبی و با قوانین مذهبی قرار گرفتند. در عراق بر زنان علاوه بر اعمال قوانین ضد زن دولت اسلامی در منگنه باندهای ارتجاعی و فئاتیک سنی و شیعه نیز قرار دارند. برایش توضیح دادیم که در افغانستان شرایط زنان بسیار بد است. اگر چند خیابان کابل را که کمی تلاش کرده‌اند برقع را به روسری مبدل کنند و یا دختر بچه‌ها به مدرسه می‌روند، را کنار بگذاریم در تمام نقاط افغانستان موقعیت زنان اگر نگوئیم بدتر از آن موقع است ولی به همان شدت در اسارت و فرودستی مطلق قرار دارند. برای این پسر جوان مثال‌های گوناگونی را در مورد موقعیت زنان این دو کشور زدیم. این پسر جوان آمریکائی بسیار از صحبت‌های ما استقبال کرد و گفت که او هم مثل ما فکر می‌کند و می‌خواسته است که نظر زنانی از آن منطقه را بداند.

مردی که با عصا به سختی راه می‌رفت تمام تلاش خود را کرد که پولی را به عنوان کمک مالی در صندوق بریزد. او گفت این کار کوچکی است. مردم ایران هر روز دارند کشته می‌شوند و ما باید از آن‌ها حمایت کنیم. زنی از انگلیس با دیدن عکس‌ها و خواندن اطلاعاتیه زنان هشت مارچ با اشک در چشمانش گفت که من با کمال میل می‌خواهم ورقه اعتراضی شما را امضاء کنم و از این پس هر گاه تظاهرات و یا جلسه‌ای داشتید مرا نیز خبر کنید. این زن در همبستگی با زنان ایران گفت که من آدم فقیری هستم ولی می‌خواهم به شما برای پشیرد کارتان کمک کنم و نصف پول خردی را که داشت در صندوق ریخت.

و ده‌ها نمونه الهام بخش دیگر که نشان دهنده این واقعیت است: «**مردم جهان هم سرنوشتند!**» با دیدن هر یک از این صحنه‌ها و حمایت صمیمی مردم از کشورهای مختلف گاهی اوقات اشک را بر چشمانم جاری می‌ساخت، اما خوشحال از این‌که افکار عمومی دنیا بی تفاوت به سرنوشت انسان‌های دیگر نیستند.



۲۰ اکتبر ۲۰۰۹

پری قدمی - فعال سازمان زنان هشت مارچ (ایران - افغانستان) - لندن

www.8mars.com